



فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی

تدوین مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در کودکان پیش‌دبستانی

دانشجوی دکتری گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
استادیار، گروه روانشناسی، واحد ورامین، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران
استادیار، گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

سمانه دادور ^{id}

زهرة صادقی افجه* ^{id}

رویا کوچک‌انتظار ^{id}

zsadeghi540@yahoo.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۹۹/۱۰/۲۹

دریافت: ۹۹/۰۸/۲۲

چکیده

هدف: هدف این پژوهش تدوین مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی با نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در کودکان پیش‌دبستانی بود. **روش پژوهش:** پژوهش حاضر مقطعی از نوع همبستگی و جامعه آماری را کلیه مادران و کودکان پیش‌دبستانی دختر و پسر شهر یزد در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند که از میان آن‌ها، تعداد ۷۰۰ نفر (۳۵۰ دختر و ۳۵۰ پسر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش توانایی تحصیلی زود هنگام رایت و مارتینز (۱۹۹۷)، دلبستگی کودکان هالپرن و کاپنبرگ (۲۰۰۶)، سبک‌های فرزندپروری بامریند (۱۹۹۷) و پرسشنامه کارکردهای اجرایی بریف (۲۰۰۰) بود. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-23 و Lisrel-V8.8 استفاده شد. **یافته‌ها:** یافته‌های پژوهش نشان داد بین کارکرد اجرایی، سبک‌های فرزندپروری، توانایی تحصیلی زود هنگام و سبک‌های دلبستگی رابطه معناداری وجود دارد ($P=0/01$)؛ همچنین مدل ساختاری نشان داد توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی در کودکان پیش‌دبستانی، دارای برازش است. **نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان داد توجه به متغیرهای مذکور در طراحی درمان‌های مناسب‌تر به پژوهشگران و درمانگران در کودکان پیش‌دبستانی یاری می‌رساند.

کلیدواژه‌ها: توانایی تحصیلی، سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی، کارکردهای اجرایی

فصلنامه علمی پژوهشی خانواده درمانی کاربردی

شاپا (الکترونیکی) ۲۴۳۰-۲۷۱۷
<http://Aftj.ir>

دوره ۵۱ شماره ۴ | صص ۱۴۷-۱۲۵

زمستان ۱۳۹۹

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:
درون متن:

(دادور، صادقی افجه و کوچک‌انتظار، ۱۳۹۹)

در فهرست منابع:

دادور، سمانه، صادقی افجه، زهره. و کوچک‌انتظار، رویا. (۱۳۹۹). تدوین مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در کودکان پیش‌دبستانی. فصلنامه خانواده‌درمانی کاربردی، ۵۱(۴): ۱۴۷-۱۲۵.

مقدمه

توانایی تحصیلی یکی از مسائل گریبان گیر سیستم آموزشی در همه مقاطع تحصیلی است. سالیانه مبالغ هنگفتی از سرمایه‌های مالی و انسانی به واسطه افت تحصیلی دانش آموزان که به صورت تکرار پایه یا تجدیدی رخ می‌دهد به هدر می‌رود (دیلسا و همکاران، ۲۰۱۶). همچنین مشکلات تحصیلی جنبه‌های عاطفی و اجتماعی را نیز به همراه دارد. در یکی از مطالعات انجام گرفته در آمریکا شایع‌ترین علت خودکشی دانشجویان نارسایی و اختلال در تحصیل بوده است (والبورگ، ذاکاری و چاپرول، ۲۰۱۴). با توجه به همین اهمیت است که موضوع شیوه‌های جلوگیری از مشکلات تحصیلی دانش آموزان و پیشرفت آموزشی آن‌ها به منظور کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری و کارایی نظام آموزشی در سه دهه اخیر به یکی از مهم‌ترین مباحث نظام آموزشی ما تبدیل شده است (بوئن، ۲۰۱۸). به عبارتی در حال حاضر همه مسئولان نظام آموزشی و بسیاری از اولیا و دانش آموزان گاه به نحوی با این معضل آموزشی درگیر هستند که تحقیقاتی که پژوهشگران انجام داده‌اند یا هم اکنون نیز انجام می‌دهند و بحث‌های فراوانی که روانشناسان، مشاوران و متخصصان تعلیم و تربیت در این راستا دارند، صرفاً به همین جهت است که شاید با شناخت مسئله و کشف راه‌حل‌های اساسی ریشه این معضل برای همیشه خشکانده شود یا از بین برود (میرمهدی و همکاران، ۱۳۸۸). با این حال باید در نظر داشت که جریان یادگیری همچون دیگر زمینه‌های روابط انسانی به قدری پیچیده است که شناخت همه عوامل دخیل در آن غیرممکن است. در واقع توانمندی و پیشرفت تحصیلی تحت تأثیر عوامل فراوانی است که بسیاری از آن‌ها هنوز ناشناخته هستند (کافمن، ۲۰۱۵)؛ اما زیاد بودن عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی کار و پژوهش در رابطه با آن را منتفی نمی‌کند. بلکه نشان می‌دهد که برای رسیدن عوامل اصلی و مؤثر بر آن و دستیابی به یک الگوی نظری می‌تواند بسیار سودمند باشد. به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی عوامل باید جهت و سوی پژوهش را به مبانی زیربنایی سوق دهیم. در واقع مبانی زیربنایی عواملی را در نظر می‌گیرند که در سنین پایه می‌توانند عملکرد تحصیلی آینده فرد را پیش‌بینی نمایند (مولر، ۲۰۱۸). ضرورت همین امر هم باعث شده است که توانایی تحصیلی اولیه فرد در ارتباط با متغیرهایی که در فضای روان‌شناختی فرد در دوران ابتدای زندگی رخ می‌دهد به عنوان عوامل مهم در نظر گرفته شوند (مهربانی، ۲۰۱۸). به نظر می‌رسد سازوکارهایی که در این دوران رخ می‌دهند می‌تواند باعث شود که فرد در آینده عملکرد تحصیلی متفاوتی را تجربه نماید (اومالی و همکاران، ۲۰۱۵)؛ بنابراین تدوین مدلی که بتواند به نحو مطلوبی این سازوکارهای اولیه را تبیین نماید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت توانایی‌های تحصیلی اولیه متغیر مهمی برای یادگیری و پیشرفت فرد در آینده بوده و بنابراین باید به دنبال عوامل تأثیرگذار بر آن باشیم. با توجه به آنکه توانایی‌های تحصیلی اولیه قبل از مهارت‌های تحصیلی بعدی قرار گرفته و بیش از هر مؤلفه آموزشی دیگری زیربنایی می‌باشد بنابراین باید به دنبال مؤلفه‌ها و متغیرهای تأثیرگذار زمینه‌ای و عمیق‌تر باشیم (مونتویا و همکاران، ۲۰۱۹). بر اساس نظام بوم‌شناختی برون فن برنر نظام خانواده به عنوان یک کل می‌تواند بر اساس سبک‌های تعاملی والدین با فرزندان جنبه‌های شناختی فرزندان را متأثر سازد (بارتو و همکاران، ۲۰۱۷). بر اساس مطالعات

سبک‌های والدینی در توسعه مهارت‌های شناختی تأثیرگذار بوده و شیوه‌های والدینی نظیر نظارت و حمایت می‌تواند توانایی‌های کودک را تحت تأثیر قرار دهد (مرز و همکاران، ۲۰۱۵). در همین راستا مطالعات نشان می‌دهد که رفتار و ویژگی‌های والدین در برخورد با مسائل فرزندان می‌تواند به استراتژی‌های متفاوتی منجر شود که این استراتژی‌ها می‌تواند فرایند تفکر کودک و نحوه تعبیر و تفسیر آن را تحت تأثیر قرار دهد (هانگ و همکاران، ۲۰۱۵). بر همین اساس چنانچه خانواده دچار مشکلات روان‌شناختی عمده باشد به دلیل از هم پاشیدگی نظام خانواده و وجود ارتباط‌های معیوب و مبهم، مشکلات عمده‌ای برای افراد به بار خواهد آورد (مارتینز و همکاران، ۲۰۱۷). بامریند سبک فرزندپروری را به‌عنوان کارکرد کنترلی والدین معرفی می‌کند که به سبک‌های دیکتاتوری، مقتدرانه و سهل‌گیرانه تقسیم می‌شود؛ سبک فرزندپروری دیکتاتوری با پیامدهای عملکرد تحصیلی پایین‌تر در ارتباط است (چماگوس، اودونگو و آلوکا، ۲۰۱۶). از سوی دیگر سبک فرزندپروری مقتدرانه با پیامدهای تحولی مثبت همچون پیشرفت تحصیلی بیشتر، اتکا به خود بالاتر، کج‌رفتاری کمتر و روابط بهتر با هم‌تایان رابطه دارد (پینکورات، ۲۰۱۶) و در نهایت سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نیز به دلیل فقدان نظارت و ویژگی اهمال‌کارانه والدین با کاهش عملکرد تحصیلی و مهارت‌های شناختی ارتباط دارد (پینکورات و کازر، ۲۰۱۸).

همچنین سبک فرزندپروری می‌تواند سبک‌های دلبستگی فرد را تحت تأثیر قرار داده و در نتیجه آثار و پیامدهایی برای رشد کودک داشته باشد. بسیاری از نظریه‌ها نیز از این مسئله حمایت نموده و نشان می‌دهد که اولین سطح ارتباطی می‌تواند در قالب سبک‌های دلبستگی نقش تعیین‌کننده‌ای در مهارت‌های اولیه کودکان داشته باشد. سبک دلبستگی، الگویی تعمیم یافته از پاسخ به روابط صمیمانه فرد است که تصور می‌شود تجربیات قبلی روابط صمیمانه را منعکس می‌کند و در طول زمان ثبات نسبی دارد. بر اساس نظریه بالبی (۱۹۶۹) ماهیت رابطه صمیمی اولیه (مادر- نوزاد) نحوه تعامل فرد با محیط را در سر تا سر زندگی تعیین می‌کند. مدل جانسون و ویفن (۲۰۰۳) نیز بر این تأکید دارد که الگوهای دلبستگی اولیه می‌تواند به عنوان ساختارهای شناختی پنهانی، مؤثر در نظر گرفته شود که تأثیر عمده‌ای بر زندگی شخصی فرد به جای می‌گذارد. سبک‌های دلبستگی بر روی تفکر، احساس و خاطرات افراد بزرگسال اثر گذاشته و به‌عنوان یکی از عوامل شناخته می‌شود که در تشخیص آسیب‌شناسی روانی، چشم‌اندازهای نوینی را منعکس ساخته‌اند (کوباک و باسمنز، ۲۰۱۸). بعضی از پژوهشگران اهمیت کنش سازمانی سیستم دلبستگی را در یکپارچه کردن مؤلفه‌های عاطفی، انگیزشی، شناختی و رفتاری مورد تأکید قرار داده‌اند (میکولینسر و شاور، ۲۰۱۸). همچنین، شواهد علمی حاکی از آن است بین دلبستگی با فرایندهای شناختی و مهارت‌های تحصیلی رابطه وجود دارد (مالتایس، دوچسن، راتل و فنگ، ۲۰۱۵).

بررسی نظریات یاد شده به ویژه نظریه نظام‌های بوم‌شناختی و نظریه نظام‌های خانواده نشان می‌دهد که دو مسئله مهم در خانواده، یعنی سبک‌های فرزندپروری و دلبستگی، می‌تواند بر توانایی‌های تحصیلی اولیه کودکان تأثیر بسزایی داشته باشد. از سوی دیگر یک راه برای درک بهتر روابط بین رفتارهای والدین و توانایی‌های تحصیلی کودکان این است که تمرکز تحقیق را بر سایر توانایی‌های شناختی بنیادی که با توانایی‌های علمی هر دو دانش آموز و رفتار والدین مرتبط است، گسترش دهیم. در همین راستا علاقه

پژوهش در رابطه بین عملکرد اجرایی کودکان^۱ (EF) و توانایی‌های تحصیلی در سال‌های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است (ویل و همکاران، ۲۰۱۷). شواهد قابل توجهی نشان می‌دهد که بین اندازه‌های مختلف کارکرد اجرایی و آزمون‌های عینی ریاضیات و سواد آموزی در دوران کودکی اولیه و متوسطه رابطه وجود دارد (ویلوگی و همکاران، ۲۰۱۲). کارکردهای اجرایی سهم منحصر به فرد را در توانایی‌های علمی و فراتر از آن در توانایی زبان (گوچ و همکاران، ۲۰۱۶) و یا توانایی شناختی عمومی دارند (فریدمن و میاک، ۲۰۱۷). به نظر می‌رسد فرایند عملیاتی که باعث می‌شود درک روابط با والدین و رشد توانایی‌های بالقوه کودکان برای یادگیری بهتر فراهم گردد مفهوم کارکردهای اجرایی باشد (وانگر و همکاران، ۲۰۱۶). شواهد حاکی از آن است که عملکرد اجرایی در کودکانی که در دوران اولیه زندگی‌شان محرومیت‌هایی را تجربه می‌نمایند ضعیف است (پیکولو و همکاران، ۲۰۱۶). در همین راستا هاستینار (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای کودکانی که فقدان رابطه با والدین داشتند را به لحاظ عملکرد اجرایی بررسی نموده و نشان داده‌اند که این کودکان به دلیل داشتن محرومیت‌های اولیه و نداشتن خانواده عملکرد اجرایی ضعیف‌تری دارند. در واقع می‌توان گفت عملکرد اجرایی از جمله مهارت‌های یادگیری می‌باشد که مجموعه‌ای از فرایندهای پردازش ذهنی بوده و تجربیات گذشته‌ی فرد را به موقعیت عملکرد فعلی آن مرتبط می‌سازد و از این طریق منجر به افزایش سطح عملکرد و بهبود کیفیت عملکرد فرد در زمان حال می‌شود (هولمز و همکاران، ۲۰۱۶).

با توجه به آنچه گفته شد بررسی مدل تبیین توانایی تحصیلی زود هنگام در راستای آماده‌سازی کودکان برای رویارویی با چالش‌های بزرگ و کوچک جهان بسیار حائز اهمیت است. چرا که معلمان و مربیان این نظام می‌دانند که دیگر نقش سنتی آنان به‌عنوان توضیح‌دهندگان کتاب‌های درسی و پرسش‌گران دروس به پایان رسیده و نسل آینده از آن‌ها انتظار دارد تا تدوین‌کنندگان عوامل زیربنایی همانند قدرت حل مسئله، تفکر انتقادی، کارکردهای اجرایی و افزایش توان جامعه‌پذیری و نظایر آن باشند و دانش‌آموزان را چنان آماده سازند که آنان خود بتوانند راه خویش را در محیط‌های پرفراز و نشیب آینده پیدا نمایند. در این شرایط است که توجه صرف بر دروس به صورت قالبی و نادیده انگاشتن مفاهیمی نظیر کارکردهای اجرایی شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دل‌بستگی یعنی مجموعه‌ای از متغیرهایی که به طور غیرمستقیم در یادگیری افراد اهمیت دارند، ساده‌انگاری محض است. چرا که متغیرهای یاد شده از عوامل تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی محسوب می‌شوند. باید در نظر داشت که مفاهیمی نظیر کارکردهای اجرایی، سبک‌های فرزندپروری و دل‌بستگی با مسائل تحصیلی در یک مسیر و در نیل به هدفی معین قرار دارند. این مفاهیم به موازات هم پیش می‌روند و هم‌گرایی میان تلاش‌های مربوط به پرورش عملکرد خانواده و روابط صحیح با فرزندان با فعالیت‌های تحصیلی محسوس به نظر می‌رسد. خلأ پژوهشی موجود مطالعه حاضر به منظور پاسخگویی به این سؤال اساسی صورت‌بندی شده است:

۱. آیا سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دل‌بستگی با نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی می‌توانند

پیش‌بینی‌کننده توانایی تحصیلی زود هنگام در کودکان پیش‌دبستانی باشند؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، طرح همبستگی با تکیه بر الگویابی معادلات ساختاری است که یک روش همبستگی چند متغیری است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه مادران و کودکان پیش دبستانی دختر و پسر شهر یزد در سال تحصیلی ۹۸-۹۹ که در مراکز پیش دبستانی ثبت نام کرده بودند. با توجه به اینکه اسامی تمام کودکان پیش دبستانی شهر یزد در دسترس نیست از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای برای انتخاب نمونه استفاده شد. شهر یزد دارای چهار منطقه جغرافیایی می‌باشد. برای این منظور از هر منطقه جغرافیایی شهر یزد ۵ مرکز پیش دبستانی انتخاب شد. در واقع در مجموع ۲۰ مرکز پیش دبستانی انتخاب و از کودکان هر مرکز شامل دختران و پسران نمونه‌گیری انجام شد. به منظور تعیین حجم نمونه به گفته هومن (۱۳۸۴) بین ۵ تا ۱۵ مشاهده به ازای هر متغیر اندازه‌گیری شده تعیین می‌شود. $(5Q \leq n \leq 15Q)$ با توجه به اینکه تعداد آیت‌ها برای سنجش در مطالعه حاضر برابر با ۱۲۱ آیت بود بنابراین حداقل حجم نمونه برابر با ۶۰۵ و حداکثر حجم آن برابر با ۱۸۱۵ برآورد می‌شود. در این مطالعه با در نظر گرفتن احتمال ریزش و همچنین به منظور افزایش تعمیم‌پذیری ۷۰۰ نمونه مادر فرزند (۳۵۰ دختر و ۳۵۰ پسر) انتخاب شد.

ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه توانایی تحصیلی زودهنگام. توانایی‌های تحصیلی زودهنگام مهارت‌های شناختی اولیه در کودک است که به عنوان پایه‌ای برای یادگیری بعدی کودک در مدرسه به کار می‌رود. به عنوان مثال مهارت‌های شناختی اولیه نظیر زبان شفاهی و توانایی‌های مفهومی برای تسلط بر خواندن و ریاضیات و یادگیری آن اهمیت بسیاری دارند (مگ نوسون و همکاران، ۲۰۱۶؛ مونتویا، ۲۰۱۸؛ کلاسنس و گارت، ۲۰۱۸). در مطالعه پژوهشگر توانایی تحصیلی زودهنگام مبتنی بر مدل دالی و همکاران (۱۹۹۷) است که شامل ۱۱ بعد مورد سنجش از جمله توانایی خواندن حروف، فهرست لغات، کپی کردن حروف، ساخت صدای حروف، انتخاب صدای حروف، خواندن شماره‌ها، شمارش اعداد، تولید شماره‌ها، انتخاب اعداد، تشخیص رنگ‌ها و تشخیص اشکال می‌باشد. هریک از ۱۱ بعد این مدل شامل آیت‌هایی است که در مجموع می‌تواند توانایی تحصیلی فرد را بسنجد؛ بر اساس نظریه ارزیابی مهارت‌های تحصیلی زودهنگام دالی و همکاران (۱۹۹۷) پنج مورد از این اقدامات به عنوان معیارهای مهارت خواندن اولیه می‌باشند. چهار مورد از آن نیز برای ارزیابی مهارت‌های ریاضی است؛ دو مورد نیز شامل مهارت‌های متداول در برنامه‌های درسی می‌باشند. این پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت ۴ درجه‌ای از غیرمرتبط=۱، نیاز به بازبینی جدی=۲، مرتبط اما نیاز به بازبینی=۳ و کاملاً مرتبط=۴ نمره‌گذاری می‌شود. پایایی این ابزار در پژوهش حاضر با آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۴ به دست آمد.

۲. پرسشنامه سبک‌های دلبستگی کودکان. این پرسشنامه توسط هالپرن و کاپنبرگ (۲۰۰۶) طراحی شده است؛ تعداد سؤالات آن ۲۰ و هدف آن سنجش دلبستگی کودکان در دوره‌ی میانی (قبل از دبستان و دبستان) از ابعاد مختلف (تکامل انطباقی مثبت (۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)، واکنش هیجانی (۷، ۸، ۹، ۱۰)، رفتارهای منفی (۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶)، دوری گزیدن از حمایت چهره‌ی دلبستگی/فرد مراقب (۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰) می‌باشد. طیف نمره دهی بر اساس لیکرت پنج‌درجه‌ای از هرگز (۱)، به ندرت (۲)، گاه‌گاهی (۳)، اغلب

اوقات (۴) و همیشه (۵) است. در پژوهش سلیمانی و همکاران (۱۳۹۳) روایی و پایایی این پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج آزمون تحلیل عاملی نشان داد که آزمون KMO برابر با ۰/۷۳ و در سطح مطلوب بوده و آزمون کرویت بارتلت از نظر آماری معنی‌دار بود. نتایج تحلیل عاملی با چرخش واریماکس وجود چهار عامل در گویه‌ها را تأیید کرد که ۴۸/۷۲٪ از واریانس کل مقیاس را تبیین کرد. ضرایب همسانی درونی این پرسشنامه در حد بالایی به دست آمد. محاسبه‌ی ضریب آزمون - بازآزمون به فاصله‌ی یک ماه مطلوب و بالا بود. تحلیل عاملی تأییدی، نتایج حاصل از تحلیل عاملی با چرخش واریماکس را تأیید کرد. همبستگی معنی‌دار نمرات این پرسشنامه با نمرات پرسشنامه‌های هیجان‌های مادرانه و پرسشنامه SDQ روایی همگرا، واگرا و هم‌زمان مقیاس را تأیید کرد. همچنین پایایی آزمون - بازآزمون این پرسشنامه ۰/۷۹ گزارش شده است (به نقل از سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۳).

۳. پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری. این پرسشنامه توسط بامریند (۱۹۹۷) برای بررسی الگوهای نفوذ و شیوه‌های فرزندپروری ساخته شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ ماده است که ۱۰ ماده از آن به شیوه آزادگذاری مطلق^۱ (۱، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۸)، ۱۰ ماده به شیوه استبدادی^۲ (۲، ۳، ۷، ۹، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۲۵، ۲۶، ۲۹) و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین (۴، ۵، ۸، ۱۱، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۳۰) در امر پرورش فرزند مربوط می‌شوند. در این پژوهش آزمودنی‌ها با مطالعه هر ماده نظر خود را برحسب یک مقیاس ۵ درجه‌ای (کاملاً مخالفم، مخالفم، تقریباً مخالفم، موافقم و کاملاً موافقم) مشخص کنند که بعداً و به ترتیب از صفر تا ۴ نمره‌گذاری شده و با جمع نمرات، سه نمره مجزا در مورد آزاد گذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می‌آید. میزان پایایی این پرسشنامه به روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای آزادگذاری، ۰/۸۵ برای استبدادی و ۰/۹۲ برای اقتدار منطقی پدران گزارش شده است (بامریند، ۱۹۹۷). همچنین وی در مورد اعتبار پرسشنامه این نتایج را گزارش می‌دهد: مستبد بودن پدر رابطه معکوس با آزادگذاری (۰/۵۰) و اقتدار منطقی (۰/۵۲) او دارد. در ایران اسفندیاری (۱۳۷۴) پایایی بازآزمایی این ابزار را برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای سبک استبدادی ۰/۷۷ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۳ گزارش کرده است. حسینی دولت‌آبادی و سعادت (۱۳۹۱) با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی روایی سازه این پرسشنامه را بررسی و ساختار سه عاملی آن را تأیید کرده‌اند. بر اساس مطالعه آن‌ها سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه ۴۵/۱ درصد، سبک مستبدانه ۴۱/۷ درصد و مقتدرانه ۴۴/۳ درصد کل واریانس مقیاس فرزندپروری را تبیین می‌کند. بعلاوه بار عاملی سؤالات روی هریک از زیر مقیاس‌ها بین ۰/۵۸ تا ۰/۷۴ گزارش شده است که نشان دهنده روایی مطلوب این ابزار است. همچنین آن‌ها ضریب پایایی کلی این ابزار را ۰/۷۱ و برای سبک سهل‌گیرانه ۰/۶۲، سبک مستبدانه ۰/۶۲ و برای سبک مقتدرانه ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند.

۴. پرسشنامه کارکردهای اجرایی. پرسشنامه درجه‌بندی رفتاری کارکردهای اجرایی (فرم والدین)، توسط جرارد، جیویا پتر، ایسکوئیس، استیون، گای و کنورسی در سال ۲۰۰۰ نوشته شده است. این ارزیابی دارای دو فرم والدین و معلمین و دارای ۸۶ سؤال می‌باشد که با توجه به شرایط حادث شدن وضعیت برای کودک

1. Permissive

2. Authoritarian

به عنوان «هیچ وقت» و «گاهی اوقات» و «همیشه» به ترتیب از ۱ تا ۳ توسط والدین نمره‌گذاری می‌شود و رفتارهای کودک را در مدرسه و یا منزل مورد بررسی قرار می‌دهد و به منظور تفسیر رفتاری عملکرد اجرایی کودکان ۵ تا ۱۸ ساله طراحی شده است (گای و همکاران، ۲۰۰۰). زمان تکمیلی این فرم بین ۱۰ تا ۱۵ دقیقه است. ضریب اعتبار این پرسشنامه برای نمونه‌های بالینی در فرم والدین آن، ۰/۹۸ - ۰/۸۲ می‌باشد و زمانی که برای ارزیابی جامعه هنجار از آن استفاده شود، این میزان به ۰/۹۷ - ۰/۸۰ می‌رسد، روایی و پایایی نسخه‌ی فارسی پرسشنامه درجه‌بندی رفتاری کارکردهای اجرایی (فرم والدین) توسط نعیمی در جامعه‌ی در خود مانده انجام شده است (میرزاخانی و همکاران، ۱۳۹۴). نسخه اصلی آزمون از ویژگی‌های روان‌سنجی خوب، روش اجرای ساده و روشن برخوردار است و ابزاری قابل اعتماد و کاربردی برای درمانگران معرفی شده است. در پژوهش شهابی روایی و اعتبار پرسشنامه سنجیده شد که ضریب پایایی آزمون- بازآزمون خرده مقیاس‌های آزمون رتبه‌بندی رفتاری کارکردهای اجرایی در کارکرد بازداری ۰/۹۰، جهت‌دهی ۰/۸۱، کنترل هیجانی ۰/۹۱، آغاز به کار ۰/۸۰، حافظه فعال ۰/۷۱، برنامه‌ریزی ۰/۸۱، سازماندهی اجزاء ۰/۷۹، نظارت ۰/۷۸، شاخص تنظیم رفتار ۰/۹۰، شاخص فراشناخت ۰/۸۷ و نمره کلی کارکردهای اجرایی ۰/۸۹ به دست آمد. ضریب همسانی درونی برای این پرسشنامه از ۰/۸۷ تا ۰/۹۴ می‌باشد که نشان دهنده بالا بودن همسانی درونی کلیه خرده مقیاس‌های پرسشنامه است.

شیوه اجرا. به منظور تکمیل پرسشنامه‌ها، ابتدا برای کسب مجوز اقدامات لازم انجام شد. در این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ۷۰۰ مادر و دختر انتخاب شدند. بعد از انتخاب نمونه پژوهش و قبل از توزیع پرسشنامه‌ها، توضیحاتی مقدماتی در مورد هدف پژوهش به شرکت‌کنندگان ارائه شد سپس پژوهشگر با هماهنگی‌های لازم در زمانی از قبل تعیین شده در این مکان‌ها حضور یافت و به صورت هم‌زمان و در یک نشست به شرکت‌کنندگان پژوهش به صورت فردی پرسشنامه‌ها را ارائه نمود و پس از پاسخ‌گویی نمونه‌ها، پرسشنامه‌ها جمع‌آوری شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسشنامه‌ها از طریق نرم‌افزار Spss-V23 و Lisrel-V8.8 انجام شد. همچنین به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شد.

یافته‌ها

میانگین و انحراف معیار سن کودکان شرکت‌کننده در پژوهش برابر با ۶/۷۸ (۱/۴۴) سال و میانگین و انحراف استاندارد مادران این کودکان برابر با ۲۴/۸۵ (۳/۵۵) سال بود.

جدول ۱. مشخصه‌های آماری متغیرهای پژوهش

متغیر	مؤلفه	میانگین	انحراف	چولگی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
	تکامل انطباقی	۳/۴۶	۰/۷۹	-۰/۱۶	-۰/۱۲	۱	۵
	مثبت						

۴.دوری	۰/۷۲**	-۰/۷۵**	۰/۸۱**	۱
گزیدن				
۵.آزادگذاری	۰/۷۷**	-۰/۷۸**	۰/۷۹**	۱
مطلق				
۶.استبدادی	۰/۷۲**	-۰/۷۵**	۰/۷۳**	۱
۷.اقتدار	۰/۶۹**	۰/۷۲**	۰/۷۳**	۱
مطلق				
۸.کارکردهای	۰/۲۸**	۰/۳۲**	-۰/۳۲**	۱
اجرائی				
۹.توانایی	۰/۵۸**	۰/۵۷**	-۰/۶۱**	۱
تحصیلی				
زودهنگام				

همان‌طور که از ماتریس جدول ۲ مشخص است، علامت ** نشان‌دهنده وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح ۰/۰۱ را نشان می‌دهد؛ یعنی، بین کارکرد اجرایی، سبک‌های فرزندپروری، توانایی تحصیلی زودهنگام و سبک‌های دلبستگی رابطه معناداری وجود دارد. برای بررسی این آزمون، از تحلیل عامل تأییدی، استفاده می‌شود؛ بدین منظور، پس از رسم ساختار، اضافه نمودن قیود مدل و انتخاب روش ماکسیمم درست‌نمایی، مدل اجرا شده و نمودار مسیر برازش شکل‌های زیر به دست آمد. شکل‌های زیر نمودار مسیر برازش شده به داده‌ها را نشان می‌دهد. همان‌گونه که شاخص‌های χ^2 -دو و RMSEA نشان می‌دهند، مدل برازش مناسب‌تری را به داده‌ها ارائه می‌کند. خروجی‌های الگو در جدول زیر مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۳. گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل ترسیمی

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص‌های برازش مطلق	سطح تحت پوشش (کای اسکوئر)	-	۱۵۹۷۷/۵۱	
شاخص نیکویی برازش	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۷	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص‌های برازش	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۰/۹۵	بزرگ‌تر از ۰/۹
تطبیقی	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۹	بزرگ‌تر از ۰/۹
شاخص‌های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۶۵	کمتر از ۰/۱

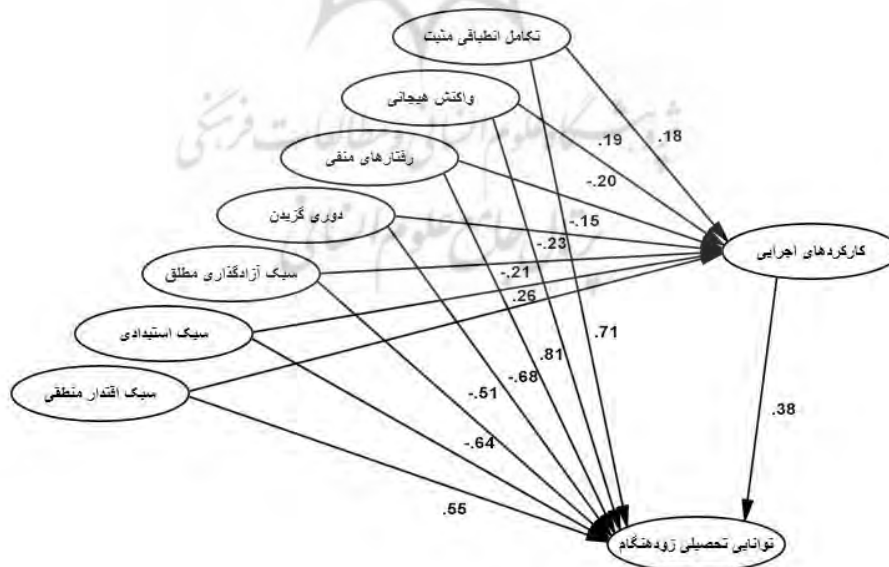
برای بررسی برازندگی مدل از شاخص‌هایی استفاده می‌گردد که در جدول فوق می‌توان این شاخص‌ها را مشاهده کرد. نتایج جدول نشان داد احتمال نزدیکی برازندگی مدل پژوهش بزرگ‌تر از ۰/۰۵ است؛ لذا، مدل پیش‌بینی در سطح مطلوبی است و دارای برازش است. با توجه به داده‌های حاصل از جدول شاخص

RMSEA برابر ۰/۰۵۷ است که با توجه به مدل Kline نشان دهنده برازش خوب و مطلوب مدل است؛ بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی با توانایی تحصیلی زود هنگام در کودکان پیش‌دبستانی رابطه معناداری وجود دارد، تأیید می‌شود.

جدول ۴. ضرایب نهایی مسیر و معناداری مدل ترسیم شده

مسیر	ضریب مسیر	مقدار t	وضعیت
تکامل انطباقی مثبت ←	۰/۷۱	۱۳/۶۳	پذیرفته شد
واکنش هیجانی ←	۰/۸۱	۱۳/۸۸	پذیرفته شد
رفتارهای منفی ←	-۰/۶۸	-۱۳/۳۴	پذیرفته شد
دوری گزیدن ←	-۰/۵۱	-۱۲/۶۷	پذیرفته شد
سبک آزادگذاری مطلق ←	-۰/۶۴	-۱۳/۲۴	پذیرفته شد
سبک استبدادی ←	-۰/۵۵	-۱۲/۸۳	پذیرفته شد
سبک اقتدار منطقی ←	۰/۶۰	۱۳/۱۸	پذیرفته شد
کارکردهای اجرایی ←	۰/۳۸	۵/۱۸	پذیرفته شد

بنابراین، با توجه به مسیرهای مشخص شده چنین استنباط می‌شود که مدل توانایی تحصیلی زود هنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با واسطه کارکردهای اجرایی در کودکان پیش‌دبستانی، دارای برازش است.



شکل ۱. الگوی ساختاری مدل نهایی ضرایب استاندارد با حضور میانجی

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین مدل توانایی تحصیلی زودهنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی با نقش واسطه‌ای کارکردهای اجرایی در کودکان پیش دبستانی انجام شد. نتایج نشان داد که مدل توانایی تحصیلی زودهنگام بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی در کودکان پیش دبستانی، دارای برزش است. از آنجا که برای سبک‌های فرزندپروری ابزارهای متفاوتی وجود دارد و همچنین مؤلفه‌ها در ابزارهای مختلف نام‌گذاری متفاوتی را به خود اختصاص داده‌اند، بنابراین می‌توان بیان داشت که مؤلفه‌های این ابزارها، با وجود نام‌گذاری‌های متفاوت اشتراکات بسیاری با هم دارند. با این تفسیر می‌توان گفت که یافته‌های این پژوهش از لحاظ رابطه سبک‌های فرزندپروری با توانایی تحصیلی زودهنگام با یافته‌های (بیگهام و همکاران، ۲۰۱۷) هماهنگ و همسو است. نتایج تحلیل نشان داد که توانایی تحصیلی زودهنگام از طریق سبک‌های فرزندپروری قابل پیش‌بینی است. والترز (۱۹۹۸) اعتقاد داشت که شیوه‌های رفتاری والدین بر توانایی تحصیلی زودهنگام تأثیر دارد. بدین معنی که شیوه رفتاری متعادل و متناسب با فرزند، باعث افزایش مهارت‌های خواندن و یادگیری آن‌ها و برعکس شیوه رفتاری نامتعادل و نامتناسب، کودکان را وابسته یا لجام‌گسیخته بار می‌آورد. از جمله دلایلی که برای تبیین این یافته مطرح است، این است که تعامل عاطفی والدین با فرزندان تأثیر قابل توجهی بر رشد توانایی تحصیلی زودهنگام فرزندان دارد و از آنجایی که والدین اولین معلمان فرزندان هستند و تأثیرپذیری فرزندان در اوایل کودکی از والدین که اولین الگوهای آن‌ها می‌باشند بسیار زیاد است، والدین می‌توانند با اتخاذ رویه‌های صحیح تربیتی در برخورد با فرزندان از تأثیرپذیری خود حداکثر استفاده تربیتی را بکنند. به اعتقاد آیزنبرگ و لوسویا (۱۹۹۷) روش صحیح تربیتی روشی است که والدین ترکیب متعادلی از پذیرش و کنترل را در برخورد با فرزندان به کار بندند. مسعود و همکاران (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه سبک‌های فرزندپروری با عملکرد تحصیلی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای خودکارآمدی پرداختند. نتایج نشان داد که سبک‌های فرزندپروری به طور جداگانه و بدون در نظر گرفتن خودکارآمدی با عملکرد تحصیلی رابطه‌ای ندارند. همچنین سبک فرزند پروری مقتدرانه از طریق نقش واسطه‌ای خودکارآمدی تحصیلی می‌تواند باعث افزایش عملکرد تحصیلی در افراد شود. نتایج پژوهش تانگ و داویس (۲۰۱۵) نشان داد استراتژی‌های تنبیهی در والدین می‌تواند عملکرد پایین تحصیلی در مدرسه کاهش سوادآموزی و کاهش موفقیت در درس ریاضی را پیش‌بینی نماید. بر اساس این مطالعه شیوه‌های فرزندپروری و شاخص‌های محیط خانواده می‌توانند نقش مؤثری در فعالیت‌های آموزشی در سال‌های بعدی داشته باشند.

از سوی دیگر یافته‌های این پژوهش هم‌راستا با دیگر پژوهش‌ها (چن، ۲۰۱۷) نشان می‌دهد که سبک‌های دلبستگی نقش مهمی در دوران تحصیلی دانش‌آموزان و توانایی تحصیلی آن‌ها دارد. همچنین نتایج نشان داد که دلبستگی افراد به والدین با سطح بالاتری از توانایی تحصیلی رابطه دارد. همچنین افرادی که دلبستگی ایمن‌تری را نشان می‌دهد با احتمال بیشتری نسبت به خود احساس ارزشمندی می‌کنند و همین امر نیز باعث می‌شود تا توانایی تحصیلی و کارایی آن‌ها افزایش یابد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که دلبستگی ایمن پناهگاهی امن را برای کودک پایه‌ریزی می‌کند که با تکیه بر آن به کاوش می‌پردازد و بر چالش‌های

محیط فائق می‌آید. کودک، این احساس درونی امنیت را رفته‌رفته به محیط اجتماعی و به خصوص مدرسه می‌برد و از آن در راستای فرصت‌های آموزشی استفاده می‌کند. به این ترتیب از طریق همین مهارت‌ها و سبک‌های دل‌بستگی، فرد با چالش‌های مدرسه و تعارضات ناشی از آن مقابله می‌کند و می‌تواند از توان علمی خود بهره بیشتری گیرد و از لحاظ تحصیلی پیشرفت نماید. دل‌بستگی، همچنین، جهانی قابل اعتماد را برای دانش‌آموزان به وجود می‌آورد و آن‌ها به این باور می‌رسند که می‌توانند بر محیط خویش تأثیر بگذارند و آن را تحت کنترل خویش در آورند. نتایج بعضی مطالعات (آن و همکاران، ۲۰۱۸) نشان می‌دهد که کودکان دارای دل‌بستگی ایمن، می‌توانند در موقعیت‌های جدید راحت‌تر و زودتر با اطرافیان ارتباط برقرار کنند و خود را با شرایط جدید وفق دهند. این موضوع در دوران مدرسه محسوس‌تر است زیرا کودک بدون حضور والدین باید حلقه ارتباطی خوبی با دیگران برقرار کند و بتواند به نحو مطلوبی با همسالان تعامل کند. همچنین دل‌بستگی‌های اولیه، احساس تعلق کودک به مدرسه، مشارکت کردن در امور مدرسه و تصمیم‌گیری‌های مربوط به نحوه آموزش و انجام تغییرات احتمالی، برقراری ارتباطات خاص با معلمان و کادر آموزشی را پیش‌بینی می‌کند. در همین رابطه زارلا و همکاران (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که کودکان ایمن به طور کلی رفتارهای عرفی، اخلاقی و همدلی بیشتری را در کلاس درس نشان داده و ارزیابی بهتری از معلمان یادگیری دارند. از سوی دیگر این مهارت‌های اجتماعی و شناختی می‌تواند عملکرد تحصیلی فرد را تحت تأثیر قرار دهد. دیندو و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای به بررسی دل‌بستگی و مراقبت‌های اولیه پیش‌دبستانی بر عملکرد تحصیلی در طول یک دهه کودکان پرداختند. بر اساس یافته‌های این مطالعه ایجاد امنیت و دل‌بستگی ایمن تا یک دهه بعد در کودکان توانست پیشرفت تحصیلی را پیش‌بینی نماید. همچنین با توجه به این مطالعه دل‌بستگی ایمن از طریق ایجاد کارایی و مهارت‌های لازم برای موفقیت در طول دوران کودکی و نوجوانی می‌تواند پیشرفت تحصیلی افراد را پیش‌بینی کند.

در تبیین دیگر نتایج به دست آمده می‌توان چنین بیان کرد که سبک دل‌بستگی ایمن می‌تواند منجر به بازخورد مثبت و موفق در زمینه مهارت‌های خواندن و نوشتن شود و چون توانایی‌های تحصیلی یک پرونداد اجتماعی ارزشمند است لذا بازخوردهای مثبت حاصل از سبک دل‌بستگی ایمن منجر به افزایش توانایی تحصیلی در کودک می‌گردد. از طرف دیگر، این احتمال وجود دارد که کودکان دل‌بسته ایمن به دلیل برخورداری از مهارت‌های ذهنی بیشتر از مهارت‌های بیشتری نیز در حل مسئله برخوردار باشند. به اعتقاد بالبی سبک دل‌بستگی ایمن با سلامت جسمانی، روان‌شناختی، عملکرد بهینه اجتماعی و ارتباطات مطلوب خانوادگی رابطه دارد. از سوی دیگر، به اعتقاد بندورا میزان سلامت روان‌شناختی از جمله فاکتورهای تأثیرگذار بر توانایی‌های تحصیلی و کفایت است. او معتقد بود هراندازه فرد در حالت سلامتی و فقدان کسالت روحی روانی باشد، در برابر مسائل تحصیلی، خود را کارآمدتر می‌داند و در نتیجه انگیزه بیشتری می‌یابد و در نهایت توانایی‌های تحصیلی را به دنبال دارد. در مجموع، با توجه به نتایج این پژوهش می‌توان گفت که سبک دل‌بستگی و همچنین شیوه‌های فرزندپروری والدین، می‌تواند بر توانایی تحصیلی کودکان تأثیرگذار باشد. این پژوهش ضرورت توجه خانواده‌ها با نوع تعامل مناسب با فرزندانشان و این که چگونه نیازهای دوران کودکی و سبک‌های دل‌بستگی و شیوه‌های فرزندپروری می‌تواند باعث بروز یا عدم بروز مشکلات تحصیلی

گردد را خاطرنشان می‌سازد. نتایج این پژوهش همچنین می‌تواند برای متخصصان مربوط به این حوزه و همچنین مسئولان آموزش و پرورش، کاربردهایی داشته باشد. روانشناسان و مشاوران می‌توانند با آموزش‌های متناسب به خانواده‌ها، زمینه بهبود در توانایی تحصیلی کودکان را فراهم آورند.

از جمله محدودیت‌های این پژوهش محدود بودن نمونه مورد بررسی از کودکان پیش دبستانی است که این تعداد نمی‌تواند معرف خوب و کافی برای جامعه باشد؛ بنابراین تعمیم دادن نتایج فقط به جامعه موردنظر منطقی و امکان‌پذیر است و برای سطوح دیگر باید با رعایت احتیاط این کار را انجام دهیم. داده‌ها و تحلیل‌های پژوهش حاضر از نوع مطالعات مقطعی است و از این رو نتیجه‌گیری علی در مورد داده‌ها صحیح نیست؛ و باید پژوهش‌های طولی در این باره صورت بگیرد. پیشنهاد می‌شود از طریق رسانه‌های عمومی، برگزاری نشست‌های علمی، تولید منابع علمی به زبان ساده، ارائه خدمات تربیتی مناسب در مراکز مشاوره، به والدین آموزش داده شود تا آگاه شوند چنانچه با کودکان خود مقتدرانه رفتار می‌کنند و در عین حال کودکانشان را کنترل می‌کنند، محبت لازم را نیز نثارشان کنند، زیرا رفتار آن‌ها بر سلامت روان و توانایی تحصیلی و پیشرفت کودکانشان تأثیر مثبت خواهد داشت.

موازین اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در پژوهش با جلب رضایت آگاهانه شرکت‌کنندگان رعایت شده است؛ همچنین به افراد درباره محرمانه بودن نتایج اطمینان داده شد.

سیاسگزاری

از مدیران مدارس و تمامی دانش آموزان و والدینشان که در اجرای این پژوهش همکاری داشتند؛ تشکر و قدردانی می‌شود.

مشارکت نویسندگان

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی به تصویب رسیده است و همه شرکت‌کنندگان در این پژوهش نقش یکسانی داشتند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، این مقاله حامی مالی و تعارض منافع ندارد.

منابع

حسینی دولت‌آبادی، فاطمه، سعاد، سجاد، و قاسمی جوبینه، رضا. (۱۳۹۲). رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، خودکارآمدی و نگرش به بزهکاری در دانش آموزان دبیرستانی. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۴ (۲): ۱۴-۲.

سلطانی کوهبنایی، سکینه، علیزاده، حمید، هاشمی، ژانت، و صرامی، غلامرضا. (۱۳۹۱). مقایسه کارکردهای اجرایی دانش‌آموزان دارای اختلال ریاضیات با دانش‌آموزان عادی. *فصلنامه تازه‌های علوم شناختی*، ۱۴ (۳): ۳-۱۵.

سلیمانی، حمیده، بشاش، لعیا، و لطیفیان، مرتضی. (۱۳۹۳). خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه روابط میانی دلبستگی برای دوره‌ی سنی میانی کودکی، روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۴ (۱۶): ۴۱-۶۳.

میرمهدی، سیدرضا، علیزاده، حمید، و سیف‌نراقی، مریم (۱۳۸۸). تأثیر آموزش کارکردهای اجرایی بر عملکرد ریاضیات و خواندن دانش‌آموزان دبستانی با ناتوانی‌های یادگیری ویژه. *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، ۹ (۱): ۱-۱۲.

References

- An, Y., Yuan, G., Liu, Z., Zhou, Y., & Xu, W. (2018). Dispositional mindfulness mediates the relationships of parental attachment to posttraumatic stress disorder and academic burnout in adolescents following the Yancheng tornado. *European journal of psychotraumatology*, 9(1), 1472989.
- Barreto, F. B., de Miguel, M. S., Ibarluzea, J., Andiarena, A., & Arranz, E. (2017). Family context and cognitive development in early childhood: A longitudinal study. *Intelligence*, 65, 11-22.
- Baumrind D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, 11: 56-95.
- Bingham, G. E., Jeon, H. J., Kwon, K. A., & Lim, C. (2017). Parenting styles and home literacy opportunities: Associations with children's oral language skills. *Infant and Child Development*, 26(5), e2020.
- Bowen, H. (2018). *Investment in learning: The individual and social value of American higher education*. Routledge.
- Chemagos, M. J., Odongo, B. C., & Aloka, P. J. (2016). Influence of parenting style on involvement in the education of public preschool learners in Nandi Central Sub County, Nandi County, Kenya.
- Chen, B. B. (2017). Parent-adolescent attachment and academic adjustment: the mediating role of self-worth. *Journal of Child and Family Studies*, 26(8), 2070-2076.
- De Luca, S. M., Franklin, C., Yueqi, Y., Johnson, S., & Brownson, C. (2016). The relationship between suicide ideation, behavioral health, and college academic performance. *Community mental health journal*, 52(5), 534-540.
- Dindo, L., Brock, R. L., Aksan, N., Gamez, W., Kochanska, G., & Clark, L. A. (2017). Attachment and effortful control in toddlerhood predict academic achievement over a decade later. *Psychological science*, 28(12), 1786-1795.
- Friedman, N. P., & Miyake, A. (2017). Unity and diversity of executive functions: Individual differences as a window on cognitive structure. *Cortex*, 86, 186-204.
- Gooch, D., Thompson, P., Nash, H. M., Snowling, M. J., & Hulme, C. (2016). The development of executive function and language skills in the early school years. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 57(2), 180-187.
- Holmes, C. J., Kim-Spoon, J., & Deater-Deckard, K. (2016). Linking executive function and peer problems from early childhood through middle adolescence. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 44(1), 31-42.
- Hostinar, C. E., Stellern, S. A., Schaefer, C., Carlson, S. M., Gunnar, M. R. (2012). Associations between early life adversity and executive function in children adopted

- internationally from orphanages. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, 16, 109.
- Huang, L., Wang, Z., Yao, Y., Shan, C., Wang, H., Zhu, M., ... & Zhao, X. (2015). Exploring thinking disposition in China. *BMC medical education*, 15(1), 88
- Kauffman, H. (2015). A review of predictive factors of student success in and satisfaction with online learning. *Research in Learning Technology*, 23.
- Kobak, R., & Bosmans, G. (2018). Attachment and Psychopathology: A Dynamic Model of the Insecure Cycle. *Current opinion in psychology*.
- Maltais, C., Duchesne, S., Ratelle, C. F., & Feng, B. (2015). Attachment to the mother and achievement goal orientations at the beginning of middle school: The mediating role of academic competence and anxiety. *Learning and Individual Differences*, 39, 39-48.
- Martínez, I., Murgui, S., García, O. F., & García, F. (2019). Parenting in the digital era: Protective and risk parenting styles for traditional bullying and cyberbullying victimization. *Computers in Human Behavior*, 90, 84-92.
- Masud, H., Ahmad, M. S., Jan, F. A., & Jamil, A. (2016). Relationship between parenting styles and academic performance of adolescents: Mediating role of self-efficacy. *Asia Pacific Education Review*, 17(1), 121-131.
- Mehrbani, V. (2018). An Economic Explanation of the Effect of Birth Order on Educational Achievement. *Iranian Economic Review*, 22(4), 887-907.
- Merz, E. C., Zucker, T. A., Landry, S. H., Williams, J. M., Assel, M., Taylor, H. B., ... & Eisenberg, N. (2015). Parenting predictors of cognitive skills and emotion knowledge in socioeconomically disadvantaged preschoolers. *Journal of Experimental Child Psychology*, 132, 14-31.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2018). Attachment orientations and emotion regulation. *Current opinion in psychology*.
- Montoya, M. F., Susperreguy, M. I., Dinarte, L., Morrison, F. J., San Martín, E., Rojas-Barahona, C. A., & Förster, C. E. (2019). Executive function in Chilean preschool children: Do short-term memory, working memory, and response inhibition contribute differentially to early academic skills?. *Early Childhood Research Quarterly*, 46, 187-200.
- Muller, C. (2018). Parent involvement and academic achievement: An analysis of family resources available to the child. In *Parents, their children, and schools* (pp. 77-114). Routledge.
- O'Malley, M., Voight, A., Renshaw, T. L., & Eklund, K. (2015). School climate, family structure, and academic achievement: A study of moderation effects. *School Psychology Quarterly*, 30(1), 142.
- Pinquart, M. (2016). Associations of parenting styles and dimensions with academic achievement in children and adolescents: A meta-analysis. *Educational Psychology Review*, 28(3), 475-493.
- Pinquart, M., & Kauser, R. (2018). Do the associations of parenting styles with behavior problems and academic achievement vary by culture? Results from a meta-analysis. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 24(1), 75.
- R., E. (2016). Higher cortisol is associated with poorer executive functioning in preschool children: The role of parenting stress, parent coping and quality of daycare. *Child Neuropsychology*, 22(7), 853-869.

- Walburg, V., Zakari, S., & Chabrol, H. (2014). Rôle du burnout scolaire dans les idées de suicide des adolescents. *Neuropsychiatrie de l'Enfance et de l'Adolescence*, 62(1), 28-32.
- Will, E., Fidler, D. J., Daunhauer, L., & Gerlach-McDonald, B. (2017). Executive function and academic achievement in primary-grade students with Down syndrome. *Journal of Intellectual Disability Research*, 61(2), 181-195.
- Willoughby, M. T., Magnus, B., Vernon-Feagans, L., Blair, C. B., & Family Life Project Investigators. (2017). Developmental delays in executive function from 3 to 5 years of age predict kindergarten academic readiness. *Journal of learning disabilities*, 50(4), 359-372.
- Zarella, I., Lonigro, A., Perrella, R., Caviglia, G., & Laghi, F. (2018). Social behaviour, socio-cognitive skills and attachment style in school-aged children: what is the relation with academic outcomes?. *Early Child Development and Care*, 188(10), 1442-1453.

پرسشنامه توانایی تحصیلی زودهنگام

کاملاً مرتبط	مرتبط اما نیاز به بازبینی	نیاز به بازبینی جدی	غیر مرتبط	سوالات
۴	۳	۲	۱	توانایی خواندن حروف
۴	۳	۲	۱	تصویر واژه‌ها را می‌تواند بخواند.
۴	۳	۲	۱	به هنگام خواندن کلمات اول، وسط و آخر را بیان می‌کند.
۴	۳	۲	۱	خواندن کلمات جدید را به سختی یاد می‌گیرد.
۴	۳	۲	۱	هنگام خواندن برخی از کلمات را جا می‌گذارد.
۴	۳	۲	۱	هنگام خواندن مکث زیادی دارد.
۴	۳	۲	۱	موقع خواندن برخی از کلمات را به متن اضافه می‌کند.
۴	۳	۲	۱	هنگام خواندن برخی از کلمات را در حروف جابه‌جا می‌کند.
۴	۳	۲	۱	فهرست لغات
۴	۳	۲	۱	صفات تفضیلی مانند سنگین‌تر، قشنگ‌تر و بزرگ‌تر را می‌شناسد.
۴	۳	۲	۱	افعال گذشته را به درستی بیان می‌کند.
۴	۳	۲	۱	از کلماتی نظیر فکر می‌کنم استفاده می‌کند.
۴	۳	۲	۱	بیش از ۲۰۰۰ کلمه را بیان می‌کند.
۴	۳	۲	۱	از کلمات و جملات متنوع به هنگام صحبت کردن استفاده می‌کند.
۴	۳	۲	۱	واژه‌ها و اسامی را به خوبی بیان می‌کند.
۴	۳	۲	۱	کپی کردن حروف
۴	۳	۲	۱	می‌تواند قلم را به خوبی در دست بگیرد.
۴	۳	۲	۱	اگر چند حرف را جلوی چشم قرار دهیم می‌تواند به خوبی آن را کپی کند.
۴	۳	۲	۱	هنگام کپی کردن حروف دقت کافی به خرج می‌دهد و عجله نمی‌کند.
۴	۳	۲	۱	هنگام کپی کردن یه کلمه می‌تواند بخش‌های تشکیل دهنده را به درستی به هم متصل کند.
۴	۳	۲	۱	جهت و طریقه نوشتن حروف را رعایت می‌کند
۴	۳	۲	۱	در کپی کردن حروف مشابه مانند خ و ج مشکلی ندارد.
۴	۳	۲	۱	تولید صدای حروف
۴	۳	۲	۱	در هنگام خواندن لحن و آهنگ را رعایت می‌کند.
۴	۳	۲	۱	هنگام خواندن تلفظ را به درستی ادا می‌کند.
۴	۳	۲	۱	هنگام صحبت کردن کلمات را سلیس و روان بیان می‌کند.

۴	۳	۲	۱	شمرده و با اعتماد به نفس صحبت می‌کند.
۴	۳	۲	۱	صدای حروف را به درستی بیان می‌کند.
۴	۳	۲	۱	انتخاب صدای حروف
۴	۳	۲	۱	می‌تواند واژگان را در جای درست آن به کار گیرد.
۴	۳	۲	۱	صداها را هم آغاز و هم پایان را تشخیص می‌دهد.
۴	۳	۲	۱	کلمات را به درستی بخش می‌کند.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند آوایی ق / و / ر را به درستی تلفظ نماید.
۴	۳	۲	۱	صداها را با هم اشتباه می‌گیرد.
۴	۳	۲	۱	خواندن شماره‌ها
۴	۳	۲	۱	می‌تواند از روی عکس اعداد آن‌ها را نام ببرد.
۴	۳	۲	۱	رقم عدد سکه‌ها را می‌خواند.
۴	۳	۲	۱	مجموع تعداد انگشتان دو دست را می‌گوید.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند اعداد ساعت را بخواند.
۴	۳	۲	۱	شمارش اعداد
۴	۳	۲	۱	مفهوم اعداد تا ۲۰ را به خوبی می‌داند
۴	۳	۲	۱	به خوبی می‌تواند تا ۴۰ بشمارد
۴	۳	۲	۱	بزرگ‌تر و کوچکتر و مساوی بودن اعداد را تشخیص می‌دهد
۴	۳	۲	۱	می‌تواند عمل جمع را با انگشت انجام دهد.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند عمل تفریق را با انگشت انجام دهد.
۴	۳	۲	۱	شماره‌ها را به درستی تلفظ می‌کند.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند گروه‌های سه تایی، ۴ تایی و ۵ تایی را به ترتیب از زیاد به کم ردیف نماید.
۴	۳	۲	۱	اعداد را به ترتیب اسمی به درستی بیان می‌کند؛ اولین، دومین، سومین
۴	۳	۲	۱	می‌تواند سه عدد را به ترتیب معکوس درست بیان کند.
۴	۳	۲	۱	انتخاب اعداد
۴	۳	۲	۱	اعداد را در جای درست آن به کار می‌گیرد.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند شماره‌ها را به اشیاء ربط دهد.
۴	۳	۲	۱	روزهای هفته را می‌تواند به ترتیب نام ببرد
۴	۳	۲	۱	مفهوم عدد ۴ را با به خوبی درک می‌کند (مثلا ۴ تا سیب به من بده)
۴	۳	۲	۱	تشخیص رنگ‌ها
۴	۳	۲	۱	نام رنگ‌های اصلی قرمز، سبز و آبی را می‌داند.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند رنگ‌ها اصلی را از روی تصاویر نام ببرد.
۴	۳	۲	۱	رنگ‌های زرد، سیاه و سفید را تشخیص می‌دهد.
۴	۳	۲	۱	رنگ‌های نارنجی، بنفش و قهوه‌ای را تشخیص می‌دهد.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند چند رنگ را در محیط خانه مشخص نماید.
۴	۳	۲	۱	هنگام رنگ آمیزی یک تصویر، رنگ درست را انتخاب می‌کند.
۴	۳	۲	۱	تشخیص اشکال
۴	۳	۲	۱	اشکال گرد و غیر از هم تشخیص می‌دهد.
۴	۳	۲	۱	درک تصویری دارد.
۴	۳	۲	۱	اشکال دایره، مثلث و مربع را تشخیص می‌دهد
۴	۳	۲	۱	اشکال هم اندازه، بلندتر و کوتاه‌تر را تشخیص می‌دهد.
۴	۳	۲	۱	شکل لوزی را می‌تواند به درستی رسم نماید.

۴	۳	۲	۱	زاویه و انحناء را تشخیص می‌دهد.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند نقص تصاویر و اشکال را تشخیص دهد.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند شباهت های دو تصویر را بیان کند.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند تفاوت های دو تصویر را بیان کند.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند اشکال مختلف را کپی نماید.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند با خمیر توپر گرد درست کند.
۴	۳	۲	۱	می‌تواند خط مارپیچ رسم کند
۴	۳	۲	۱	می‌تواند خط افقی رسم کند.

پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری

کاملاً موافق	تا حدی موافق	نه موافق و نه مخالف	تا حدی مخالف	کاملاً مخالف	گویه ها	ردیف
۵	۴	۳	۲	۱	والدین باید به بچه های خود اجازه دهند تا هر آنچه را که می‌خواهند انجام دهند	۱
۵	۴	۳	۲	۱	بچه ها باید فقط از آنچه که والدینشان پیروی کنند، در غیر این صورت باید آنها را تنبیه کرد	۲
۵	۴	۳	۲	۱	اگر به مشکلات بچه ها توجه شود این دردسر را دارد که آنها پر روتر شده و انتظارات بیشتری از والدین خواهند داشت	۳
۵	۴	۳	۲	۱	هر گاه والدین تصمیمی برای بچه می‌گیرند، باید دلایل آن را به آنها بگویند	۴
۵	۴	۳	۲	۱	اگر بچه ها نسبت به محدودیت های ایجاد شده در خانواده اعتراض کردند، والدین باید با صحبت کردن آنها را قانع کنند	۵
۵	۴	۳	۲	۱	والدین نباید در کارهای مربوط به بچه ها دخالت کنند، چون بچه ها بطور ذاتی راه خود را پیدا می‌کنند	۶
۵	۴	۳	۲	۱	اگر بچه ها کاملاً موافق میل والدین عمل کنند، در آینده افراد موفقتری خواهند شد	۷
۵	۴	۳	۲	۱	بچه ها باید کاری را که والدین از آنها انتظار دارند انجام دهند ولی اگر انتظارات والدین غیرقابل قبول بود، باید بتوانند آزادانه با آنها در میان بگذارند	۸
۵	۴	۳	۲	۱	وقتی والدین از بچه ها می‌خواهند تا کاری انجام دهند، بچه ها باید بدون چون و چرا آن را انجام دهند	۹
۵	۴	۳	۲	۱	والدین نباید بچه ها را در منزل محدود کنند، باید آنها را آزاد بگذارند تا تمام لوازم خود را دستکاری کنند	۱۰
۵	۴	۳	۲	۱	هر گاه بچه ها بر خلاف میل والدین عمل کردند، والدین باید به جای تنبیه آنها را راهنمایی کنند	۱۱
۵	۴	۳	۲	۱	والدین خیلی زود باید به بچه ها بفمانند که رئیس خانواده کیست	۱۲
۵	۴	۳	۲	۱	والدین باید در تصمیم گیری های مربوط به خانواده، فقط آنچه که خواست بچه هاست انجام دهند	۱۳
۵	۴	۳	۲	۱	اگر والدین رفتار و خواست های بچه ها را محدود نکنند، بیشتر مشکلات حل می‌شود	۱۴
۵	۴	۳	۲	۱	والدین باید هنگام تصمیم گیری و برنامه ریزی در امور خانواده نظر بچه ها را نیز دخالت	۱۵

دهند					
۵	۴	۳	۲	۱	۱۶ والدین باید با بچه‌هایی که با نظر آنها مخالفت می‌کنند، به شدت برخورد کنند
۵	۴	۳	۲	۱	۱۷ والدین باید به بچه‌ها اجازه دهند تا در کارهای خودشان تصمیم گیرنده باشند
۵	۴	۳	۲	۱	۱۸ شوخی و بازی کردن بچه‌ها در حضور والدین توهین به آنهاست
۵	۴	۳	۲	۱	۱۹ بچه‌ها به باری و تفریح نیاز دارند، برای این کار والدین باید به آنها اجازه دهند تا هر وقت دلشان خواست از منزل خارج شوند
۵	۴	۳	۲	۱	۲۰ باید به بچه‌ها اجازه داده شود که اگر فکر می‌کنند نظراتشان از نظرات والدین خود بهتر است آن را ابراز کنند
۵	۴	۳	۲	۱	۲۱ وقتی بچه‌ها مرتکب اشتباهی می‌شوند، هیچ‌گاه نباید آنها را سرزنش کرد
۵	۴	۳	۲	۱	۲۲ اگر والدین تصمیم برخلاف میل بچه‌ها گرفتند، در چنین مواردی باید در مورد آن با بچه‌ها گفتگو کنند و حتی اگر اشتباه کرده بودند، آن را بپذیرند.
۵	۴	۳	۲	۱	۲۳ گاهی اوقات والدین باید با بچه‌ها سازی کنند نه این که همیشه انتظار داشته باشند که بچه‌ها با آنها سازش کنند
۵	۴	۳	۲	۱	۲۴ بچه‌ها را باید آزاد گذاشت تا خودشان تجربه کنند
۵	۴	۳	۲	۱	۲۵ بعضی از بچه‌ها ذاتاً بد هستند و باید طوری تربیت شوند که از والدین خود بترسند
۵	۴	۳	۲	۱	۲۶ بچه‌ها وقتی بزرگ شوند، از سخت‌گیری‌های والدین خود سپاسگزاری خواهند کرد
۵	۴	۳	۲	۱	۲۷ وقتی بچه‌ها دچار مشکل و دردسری شوند (کار خطایی انجام دهند) باید بدانند که با مطرح کردن آن مشکل برای والدین خود تنبیه نمی‌شوند
۵	۴	۳	۲	۱	۲۸ در مجالس و مهمانی‌ها باید بچه‌ها را آزاد گذاشت تا محیط اطراف خود را دستکاری کنند تا حس کنجکاوی آنها ارضا شود
۵	۴	۳	۲	۱	۲۹ بچه‌ها جدی و کوشا نخواهند بود مگر این که درباره کارهای آنها سخت‌گیری کنیم
۵	۴	۳	۲	۱	۳۰ اگر چه بچه‌ها تجربه کمی دارند، اما گاهی اوقات نظر آنها بهتر از نظر والدین است

پرسشنامه سبک‌های دلبستگی

ردیف	گویه‌ها	کاملاً موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم
۱	فرزندم با دیگر کودکان به راحتی بازی می‌کند	۱	۲	۳
۲	فرزندم به آسانی با کودکان دیگر دوست می‌شود و از این لحاظ احساس راحتی می‌کند	۱	۲	۳
۳	فرزندم همانند کودکان هم سن و سال خود صحبت می‌کند	۱	۲	۳
۴	فرزندم با حیوانات با مهربانی و آرام رفتار می‌کند	۱	۲	۳
۵	فرزندم به اشتباهاتش پی می‌برد و رفتارهایی که نتایج منفی بدنال دارد را انجام نمی‌دهد	۱	۲	۳
۶	فرزندم آنچه را که به او گفته می‌شود را درک می‌کند	۱	۲	۳
۷	اگر کارها طبق روال پیش نروند، فرزندم دچار آشفتگی می‌گردد	۱	۲	۳
۸	فرزندم بیش از حد ناله و زاری می‌کند	۱	۲	۳
۹	فرزندم دوست ندارد جدا از من باشد مگر زمان‌هایی که خود بخواد	۱	۲	۳
۱۰	فرزندم بیش از حد به افراد می‌چسبد	۱	۲	۳

۴	۳	۲	۱	به نظر می‌رسد فرزندم با دیدن آتش و خون بیش از حد شگفت زده و هیجان زده می‌شود	۱۱
۴	۳	۲	۱	فرزندم به اشتباه متعلق به دیگران آسیب زده و آنها را تخریب می‌کند	۱۲
۴	۳	۲	۱	فرزندم وسایل مربوط به خودش را شکسته یا به آنها آسیب می‌زند	۱۳
۴	۳	۲	۱	فرزندم برخی چیزها را سرقت می‌کند و به نظر نمی‌رسد در این خصوص احساس بدی داشته باشد	۱۴
۴	۳	۲	۱	فرزندم کودکان دیگر را اذیت کرده و به آنها صدمه می‌زن و نسبت به سایر کودکان بی‌رحم است	۱۵
۴	۳	۲	۱	فرزندم به جمع کردن خوراکی‌ها علاقه من و عادات غذایی غیرمعمول (به عنوان مثال، خوردن کاغذ، گل، مدفوع) را دارد	۱۶
۴	۳	۲	۱	زمانی که فرزندم آشفته است معمولا اجازه نمی‌دهد افراد آشنا او را آرام کنند. اما برای آرام شدن به سمت غریبه‌ها می‌رود	۱۷
۴	۳	۲	۱	زمانی که فرزندم آسیب می‌بیند به هیچ کس اجازه نمی‌دهد تا او را آرام کند	۱۸
۴	۳	۲	۱	زمانی که فرزندم درد دارد سعی می‌کند آن را نشان ندهد	۱۹
۴	۳	۲	۱	فرزندم به دیگران می‌گوید که من او را اذیت می‌کنم در حالی که چنین چیزی صحت ندارد.	۲۰

پرسشنامه کارکردهای اجرایی

همیشه	گاهی اوقات	هیچ وقت	
۲	۱	۰	۱- به مشکلات کوچک واکنش شدید نشان می‌دهد
۲	۱	۰	۲- زمانی که سه کار برای انجام دادن به او واگذار می‌شود فقط اولی یا آخری را انجام می‌دهد.
۲	۱	۰	۳- کار را، خودش شروع نمی‌کند.
۲	۱	۰	۴- به قصد برهم زدن بازی اتاق را ترک می‌کند.
۲	۱	۰	۵- در مقابل پذیرش راههای متفاوت حل مسئله مقاومت می‌کند.
۲	۱	۰	۶- در موقعیتهای جدید احساس ناراحتی می‌کند.
۲	۱	۰	۷- به صورت ناگهانی و تکانشی عصبانی میشود.
۲	۱	۰	۸- بارها از یک روش تکراری برای حل مشکل استفاده می‌کند حتی زمانی که این راه حل اشتباه باشد.
۲	۱	۰	۹- به چیزهای محدودی توجه می‌کند.
۲	۱	۰	۱۰- حتی زمانی که مشتاق انجام کاری است برای شروع کردن نیاز به تذکر دارد.
۲	۱	۰	۱۱- برگره‌های ارزیابی تکالیف درسی را به خانه نمی‌آورد.
۲	۱	۰	۱۲- با یک تغییر کوچک در برنامه ناراحت می‌شود.
۲	۱	۰	۱۳- با تغییر در کلاس یا معلم پریشان می‌شود.
۲	۱	۰	۱۴- تکالیف خود را برای پیدا کردن اشتباهش چک نمی‌کند.
۲	۱	۰	۱۵- عقاید خوبی دارد اما نمی‌تواند آنها را روی کاغذ بیاورد.
۲	۱	۰	۱۶- در برنامه ریزی برای اوقات فراغت و بازی‌های خود دچار مشکل می‌شود.
۲	۱	۰	۱۷- در شروع کارهای روزمره و کارهای مدرسه مشکل دارد.
۲	۱	۰	۱۸- نمی‌تواند بین تکالیف خانه و نمرات خود ارتباط ایجاد کند.
۲	۱	۰	۱۹- به راحتی با صداها، نور، فعالیت‌ها و غیره دچار پریشانی می‌شود.
۲	۱	۰	۲۰- به راحتی غمناک و گریان می‌شود.
۲	۱	۰	۲۱- از روی بی‌دقتی مرتکب خطا می‌شود.

۲	۱	.	۲۲- فراموش می‌کند که تکالیفش را تحویل دهد حتی زمانی که آنها را کامل انجام داده است.
۲	۱	.	۲۳- در مقابل ایجاد تغییرات در چیزهای عادی، غذاها، مکانها و غیره مقاومت می‌کند.
۲	۱	.	۲۴- در انجام تکالیفی که بیشتر از یک مرحله دارد دچار مشکل می‌شود.
۲	۱	.	۲۵- برای یک مشکل کوچک به صورت تکانشی عصبانی می‌شود.
۲	۱	.	۲۶- خلق وی تند تند عوض می‌شود.
۲	۱	.	۲۷- برای ادامه دادن یک تکلیف نیاز به کمک یک بزرگ‌تر دارد.
۲	۱	.	۲۸- به خاطر توجه بیش از حد به جزئیات، مسئله اصلی را گم می‌کند.
۲	۱	.	۲۹- اتاق را به هم می‌ریزد.
۲	۱	.	۳۰- در استفاده از موقعیتهای جدید (کلاس، گروه دوستان) دچار مشکل است.
۲	۱	.	۳۱- دست خط بدی دارد.
۲	۱	.	۳۲- فراموش می‌کند که مشغول انجام چه کاری بوده است.
۲	۱	.	۳۳- زمانی که برای آوردن چیزی فرستاده می‌شود فراموش می‌کند که چه چیزی قرار بوده که بیاورد.
۲	۱	.	۳۴- از اینکه چگونه رفتارش باعث آزار دیگران می‌شود بی اطلاع است.
۲	۱	.	۳۵- ایده های خوبی دارد اما نمی‌تواند آنها را اجرایی کند.
۲	۱	.	۳۶- بیش از حد در انجام تکالیف درگیر می‌شود.
۲	۱	.	۳۷- در به پایان رساندن تکالیف مدرسه و کارهای روزمره مشکل دارد.
۲	۱	.	۳۸- در رفتار با دیگران در جشن تولد و دیگر موقعیت ها بی ملاحظه رفتار می‌کند.
۲	۱	.	۳۹- در مورد موضوعات مشابه خیلی زیاد فکر می‌کند.
۲	۱	.	۴۰- زمان زیادی را صرف می‌کند تا یک تکلیف را تمام کند.
۲	۱	.	۴۱- صحبت دیگران را قطع می‌کند.
۲	۱	.	۴۲- متوجه پیامد منفی رفتارش نمی‌شود.
۲	۱	.	۴۳- در مواقع نابجا از صندلی خود برمی‌خیزد.
۲	۱	.	۴۴- بیشتر از دوستانش کنترل خود را از دست می‌دهد.
۲	۱	.	۴۵- در موقعیتهای یکسان نسبت به سایر بچه ها واکنش شدیدتری از خود نشان می‌دهد.
۲	۱	.	۴۶- تکالیف یا کارهای روزانه را در آخرین لحظه شروع می‌کند.
۲	۱	.	۴۷- در موقع شروع تکالیف یا کارهای روزانه دچار مشکل می‌شود.
۲	۱	.	۴۸- در برنامه ریزی فعالیتهای خود با دوستانش دچار مشکل می‌شود.
۲	۱	.	۴۹- نسنجیده حرف می‌زند.
۲	۱	.	۵۰- خلق او به راحتی تحت تأثیر محیط قرار می‌گیرد.
۲	۱	.	۵۱- برنامه ای برای انجام مناسب تکالیف مدرسه اش ندارد.
۲	۱	.	۵۲- از نقاط قوت و ضعف خودشناخت کافی ندارد.
۲	۱	.	۵۳- تکالیف نوشتنی او سازماندهی ضعیفی دارد.
۲	۱	.	۵۴- خیلی بی ملاحظه و خارج از کنترل عمل می‌کند.
۲	۱	.	۵۵- در ایجاد فاصله ای بین کارهای خود مشکل دارد.
۲	۱	.	۵۶- اگر توسط یک بزرگسال پشتیبانی و حمایت نشود دچار مشکل می‌شود.
۲	۱	.	۵۷- در یادآوری اتفاقات مشکل دارد حتی بعد از چند دقیقه.
۲	۱	.	۵۸- در انجام کارها برای رسیدن به هدف مشکل دارد (پس انداز پول برای مورد خاص).

همیشه	گاهی اوقات	هیچ وقت	
۲	۱	.	۵۹- گاهی اوقات رفتار احمقانه ای دارد.
۲	۱	.	۶۰- کارهای خود را به صورت شلخته انجام می‌دهد.

۲	۱	۰	۶۱- در کارهای خود ابتکار خاصی ندارد.
۲	۱	۰	۶۲- خشم، غم و عصبانیت خیلی زیاد دارد اما سریع تمام می‌شود.
۲	۱	۰	۶۳- قادر به تشخیص کارهایی که باعث آزار دیگران می‌شود نیست.
۲	۱	۰	۶۴- در برابر محرک های کوچک عکس العمل های شدید دارد.
۲	۱	۰	۶۵- در مواقع نایجا صحبت می‌کند.
۲	۱	۰	۶۶- از اینکه کاری نیست که او انجام دهد شکایت می‌کند.
۲	۱	۰	۶۷- نمی‌تواند وسایلش را در اتاق یا میز تحریر مدرسه پیدا کند.
۲	۱	۰	۶۸- وسایلش را هنگام رفتن رها می‌کند.
۲	۱	۰	۶۹- وسایلش را در هم و بر هم رها می‌کند و دیگران مجبورند آنها را مرتب کنند.
۲	۱	۰	۷۰- به آسانی ناراحت می‌شود.
۲	۱	۰	۷۱- مقدار زیادی از وسایلش اطراف اتاق ریخته است.
۲	۱	۰	۷۲- کمد نامرتبی دارد.
۲	۱	۰	۷۳- در منتظر ایستادن برای نوبتش دچار مشکل می‌شود.
۲	۱	۰	۷۴- ظرف غذا، پول ناهار، برگه های مجوز و تکالیف مدرسه اش و غیره را گم می‌کند.
۲	۱	۰	۷۵- نمی‌تواند لباسها، کفش، عینک، اسباب بازی، کتابها، مدادها و سایر وسایلش را پیدا کند.
۲	۱	۰	۷۶- حتی زمانی که جواب صحیح را می‌داند امتحانش را ضعیف می‌دهد.
۲	۱	۰	۷۷- پروژه های طولانی مدت را تمام نمی‌کند.
۲	۱	۰	۷۸- نیاز به حمایت و پشتیبانی خیلی نزدیک دارد.
۲	۱	۰	۷۹- قبل از انجام کارها فکر نمی‌کند.
۲	۱	۰	۸۰- در انتقال از یک فعالیت به فعالیت دیگر مشکل دارد.
۲	۱	۰	۸۱- بی‌قرار است.
۲	۱	۰	۸۲- تکانشگر است.
۲	۱	۰	۸۳- در موقع صحبت کردن نمی‌تواند روی یک موضوع متمرکز شود.
۲	۱	۰	۸۴- در یک موضوع یا فعالیت گیر می‌کند.
۲	۱	۰	۸۵- چیزهای یکسان را چند مرتبه می‌گوید.
۲	۱	۰	۸۶- در آماده شدن برای رفتن به مدرسه در صبح مشکل دارد.

Developing an Early Academic Ability Model based on Parenting and Attachment Styles with the mediating role of executive functions in preschool children

Samaneh. Dadvar¹, Zohreh. Sadeghi Afjeh^{*2} & Roya. Kochakentezar³

Abstract

Aim: The present study aimed to develop an early academic ability model based on parenting and attachment styles with the mediating role of executive functions in preschool children. **Method:** The study was cross-sectional and correlational, and its statistical population consisted of all mothers and female and male preschool children in Yazd in 2019. Among them, 700 (350 girls and 350 boys) were selected using the multi-stage cluster sampling method. The research tools included the Early Academic Ability Questionnaire by Wright & Martinez (1997), the Kinship Center Attachment Questionnaire (KCAQ) by Halpern & Kappenberg (2006), Baumrind's parenting style questionnaire (1997), and Questionnaire Executive Function (BRIEF). SPSS-v23 and Lisrel-V8.8 were used to analyze data. **Results:** The research results indicated that there were significant relationships between executive function, parenting styles, early academic ability, and attachment styles ($P=0.01$). The structural model also indicated that early academic ability was fitted based on parenting and attachment styles in preschool children. **Conclusion:** According to the results, paying attention to the above-mentioned variables in designing appropriate treatments helps researchers and therapists of preschool children.

Keywords: Academic ability; Parenting styles; Attachment styles; Executive functions

1. PhD Student, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

2. *Corresponding Author: Assistant Professor, Department of Psychology, Varamin Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran
zsadeghi540@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran